



گفت‌وگوبا ناصر پاشاپور، مجموعه‌دار وایده‌پرداز پروژه «لیلان»

بوم‌هایی که میزبان ارزش‌های اجتماعی شدند



نسیم قاضی‌زاده

دغدغه زنده‌نگه‌داشتن میراث فرهنگی و آیین‌های ملی همیشه با ما همراه بوده اما آنچه در این روزگار لازمه این مسیر است، حمایت‌های مادی و معنوی توسط بخش‌هایی بوده که امکان بیشتری برای این ارزش‌دهی به سنت‌ها و آیین‌های ملی دارند. از طرفی ایده‌های نو یکی از مهم‌ترین عوامل برای جذب نگاه‌ها و یادآوری زیبایی و مفاهیم عمیق آیین‌هاست. ناصر پاشاپور بنیان‌گذار گروه dnaunion و از جمله کارآفرینان فعال ایرانی است که به عنوان رهبر کارآفرین سال ۹۵ برگزیده و نشان عالی را دریافت کرده است. او از سال ۱۳۷۰ فعالیتش را آغاز کرده و علاقه‌مندی‌اش به هنر همواره در این سال‌ها همراه او بوده است. پاشاپور از سال ۱۳۹۷ به بهانه تریک اختصاصی نوروز به همکاری‌اش، ایده پروژه‌ای را کلید زد که امروز تبدیل به مجموعه شخصی او شده است. خلاصه پروژه دعوت از هنرمندان تجسمی برای خلق اثری ماندگار درباره طرح ارزشی است که از دیدگاه او جا دارد که جامعه به آنها نگاه ویژه‌ای داشته باشد و می‌توانند در ادامه اثرگذار باشند. حال او در فضایی دوستانه با ما درباره این پروژه و ارزش‌های آن که به یاد مادرش «لیلان» نامیده شده، به گفت‌وگو نشستیم است. او از رویاها و آرزوهایش صحبت کرده و از جامعه‌ای که علاقه دارد به این ارزش‌ها احترام بگذارد. با پاشاپور درباره «لیلان» و نگاه ویژه‌اش به مسئولیت اجتماعی در این روزهای هنر ایران که کمتر کسی در جست‌وجوی یافتن چیزهایی برای پرکردن خلأهایی از این دست است به گفت‌وگو نشستیم.

- ایده این مجموعه از کجا آمد؟**

ایده اصلی این مجموعه از یکی از جلسات هم‌فکری‌مان در دی‌ان‌ای یونیون آمد. در واقع ایده‌ای برای بزرگداشت و تریک مناسبت‌ها به دوستان، آشنایان و همکاران‌مان بود. بنا را به روال معمول شرکت‌ها روی طراحی چند اثر توسط گرافیس‌ت‌های مجموعه گذاشته بودیم. اما در همان جلسه به این نتیجه رسیدیم که دلمان می‌خواهد کاری ویژه و به‌یادماندنی کنیم که با روال معمول تریک‌های همیشگی متفاوت باشد. دلمان می‌خواهد به دیگران به شکلی متفاوت تریک بگوییم. به شکل یک اثر هنری اورجینال که توسط هنرمندان شناخته‌شده خلق شده است. برای خلق این آثار ما ارزش‌هایی را در نظر گرفتیم که از نظر ما ارزش‌های اجتماعی بودند و می‌شد در مناسبت‌هایی که مطابق با آن ارزش‌ها بودند آنها را هدیه کرد. در تاریخ هم که نگاه کنید، ما ایرانی‌ها رسم داشته‌ایم عصاره تجربات را به زبان هنر بگوییم. این را می‌توان در اشعار شعرا و نوشته‌های ادیبان و نقاشی بزرگان ایرانی دید. ما نیز این راه هنرمندانه را از پیشینیان‌مان آموختیم و بنا را بر این گذاشتیم که هرسال یک هنرمند برای‌مان به زبان خودش از ارزش‌های اجتماعی بگوید و اثر خلق کند.

- در واقع پروژه در ابتدا با هدف مسئولیت اجتماعی هلدینگ**

- دی‌ان‌ای یونیون صورت گرفت؟**

بله همین‌طور است. در واقع با این باور که هر سازمان یا هر شخص، ارزش‌هایی دارد و در قبال جامعه‌اش مسئول است.

- روش کار و مذاکره شما با هنرمندان مختلف به چه صورت است؟**

چطور آنها را توجیه می‌کنید؟ یا بهتر است بگویم چطور آنها جذب این پروژه می‌شوند؟

در ابتدا روش کار ما به این صورت بود که با تعدادی از هنرمندان مدنظرمان ایده را مطرح کردیم. ارزش‌ها را به تفکیک برای آنها توضیح می‌دادیم و این آثار را به آنها سفارش می‌دادیم.

هر آرتیست آثار را بر اساس این ارزش‌ها خلق می‌کرد.

- از همان ابتدا به آنها می‌گفتید که کاربرد این آثار کجاست؟**

به آنها توضیح داده می‌شد که این آثار برای یک مجموعه شخصی است. در عین حال معتقدیم که دیده‌شدن، شنیده‌شدن و گفت‌وگوکردن درباره آثار راهی برای مطرح‌کردن و ترویج ارزش‌هاست. بنابراین خوشحال می‌شویم که هرچه بیشتر درباره آن صحبت شود.

- از نظر شکل نمایش آثار یا مطرح‌کردن آنها چطور؟**

ببینید اولین دیدار با آثار هنرمند در مراسم رونمایی که در پایان هر سال و در آستانه نوروز برگزار می‌شود اتفاق می‌افتد. در این

تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات، به‌روبودن، رقابت سازنده، ایجاد ارزش افزوده، شکرگزاری و تشکر، احترام به خود، اثرگذاری و کارآفرینی، حفظ زمین، احترام به مادر، احترام به پدر، احترام به بنیاد خانواده، گفت‌وگوکردن و لذت‌بردن از خوردن غذا، احترام به دیگری، شکرگزاری و تشکر، احترام به خود، اثرگذاری و کارآفرینی و شروع دوباره عناوین ارزش‌های ما هستند که هرکدام در برخی روزها بیشتر معنا پیدا می‌کنند. مثلا ارزش شروع دوباره همچنان که گفته شد بیشتر در نوروز و بهار معنی‌اش را می‌یابد. یا به عنوان مثال ارزش احترام به بنیاد خانواده، گفت‌وگوکردن و لذت‌بردن از خوردن غذا را می‌توان در مناسبتی چون شب یلدا جست‌وجو کرد. هرچند این به آن معنا نیست که نتوان این ارزش‌ها را در روز و مناسبت دیگری پیدا کرد بلکه هدف اصلی ما یادآوری و ترویج این ارزش‌هاست.

- شما چندین بار درباره ارزش‌ها صحبت کردید، منظورتان بیشتر در حوزه توسعه فردی است یا اجتماعی؟**

چیزهایی در زندگی ما ارزشمندند؛ چیزهایی که در هر تصمیم کوچک یا بزرگ در نظر گرفته می‌شوند. چیزهایی که جای خالی‌شان احساس می‌شود یا چیزهایی که برای حفظ آنها در زندگی‌مان تلاش می‌کنیم. هرچند این ارزش‌ها برآمده از نگاه شخصی من هستند. در واقع این ارزش‌ها -نه فقط روزها و رویدادهای منتسب به آنها- دلیل گشودن باب صحبت ما با جامعه و محیط پیرامون‌مان است. پروژه لیلان بر این ارزش‌ها تأکید دارد؛ هفت ارزش را در مقام یک شهروند در ارتباط کلی با اجتماعش در نظر گرفته‌ایم و هفت ارزش را از نگاه حرفه‌ای انتخاب کرده است اما در هر دو زمینه از هر فرصتی استفاده می‌کند تا درباره آنها با جامعه خود گفت‌وگو کند.

- هدف اصلی این پروژه چیست؟**

همان‌طورکه گفته شد پروژه لیلان در ابتدا با هدف مسئولیت اجتماعی شکل گرفت. با این باور که هر سازمان یا هر شخص، در قبال جامعه‌اش مسئول است. لیلان محیط اطراف را با هدف جلب توجه جامعه به این ارزش‌ها، مخاطب قرار داده است و بهانه پرداختن به این ارزش‌ها، هر روز یا رویدادی را استفاده می‌کند تا با بهره‌گیری از آن، جامعه بهتری را بسازد. در واقع به اعتقاد او، در صورت توجه به این ارزش‌ها، ما صاحب جامعه بهتری می‌شویم اما هدف اصیل در این پروژه حمایت از این ارزش‌هاست. حمایت از هنر و ترویج سفارش و خرید فراگیر آثار اصیل نیز کوششی است در راستای همین هدف.

- ویژگی‌های لیلان چیست و چه ساختاری برای جذب هنرمندان دارد؟**

مهم‌ترین ویژگی لیلان مفهوم و فلسفه‌ای است که در دل آن جریان دارد اما از نظر هنری باید بگوییم که محدودیتی برای استفاده از متریال یا شکل ارائه هنری وجود ندارد و هنرمندان مختلف در حوزه‌ها و سبک‌های گوناگون می‌توانند به لیلان بیوبندند. انتخاب شکل هنری اعم از نقاشی، مجسمه‌سازی و… آزاد است. سبک هنری و متریال آزاد است همچنان که زمان نیز آزاد است. هنرمندان می‌توانند آثار جدید یا آرشویی‌شان را در اختیار مجموعه قرار دهند و در قالب‌های کلاسیک تا اشکال خلاقه و مدرن ارائه شوند.

- تا به حال چه هنرمندانی در این پروژه حضور داشته‌اند؟**

طی شش‌سال گذشته تا به امروز ما موفق شدیم تا با مرجان وفانیان، مهدی میرباقری، کامیوز دیمخش، سیامک پورجبار، رضا هدایت، رایکا میلانیان، رضا عابدینی، علیرضا محبی و کیمیا رهگذار صحبت کنیم. ارزش‌ها را با ایشان مطرح کرده و آثار را دریافت کنیم.

- اگر بخواهید برای لیلان آینده‌ای در ترسیم کنید، فکر می‌کنید این آینده چگونه خواهد بود؟ آیا این روال سفارش‌دهی به همین صورت فعلی ادامه خواهد داشت؟**

طی سال‌های گذشته تا به امروز، این پروژه هر سال پخته‌تر شده است تا به امروز که بعد از شش‌سال به جایی رسیده که قصد گسترش آن و دعوت از هنرمندان ایرانی برای پیوستن به آن را داریم. قطعا در این راه سلیقه شخصی، بودجه و علاقه‌مندی هنرمند به پروژه نیز مهم بوده است. چشم‌انداز ما طی سال‌های آینده این است که تعداد افراد بیشتری را به‌واسطه این مجموعه شخصی با این ارزش‌ها آشنا کرده و نهایتاً با آشناشدن با فلسفه این پروژه، اثربخشی بیشتری از این ارزش‌ها صورت گیرد. ما معتقدیم که با مراقبت و توسعه این ارزش‌ها می‌توان امیدوار بود که در آینده با در نظر گرفتن و زندگی‌کردن این ارزش‌ها، در محیط‌مان مؤثرتر واقع شویم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با یحیی گمار به بهانه نمایشگاه

«دو نیمه‌ی یک نقطه‌ی کوره» در گالری ثالث

هرکوزه نمادی از ما



شهرزاد رویانی؛ یحیی گمار کوزه‌ها را ظرفی از درون ما و رنگ‌ها را خاک ما می‌داند. یحیی گمار را با نگاه به آثاری که نمادهای سنتی و البته سبیری طولانی را برای خلق طی کرده، می‌توان شناخت. گام‌های پرتامل در خلق هر اثر او که ریشه در ادبیات و تاریخ دارند، مخاطب را از هیاهوی جهان پرسرعت و حتی هنرهای این‌چینی دور و به وقفه‌ای مطلوب دعوت می‌کند. در مجموعه آثار اخیر از یحیی گمار کوزه‌ها با پالت رنگی محدود نمادهای متعددی را بر دوش می‌کشند. این مجموعه با عنوان «دو نیمه‌ی یک نقطه‌ی کوره» به‌عنوان چهارمین نمایشگاه انفرادی این هنرمند در گالری ثالث به نمایش درآمده و تا ۱۹ مرداد ادامه دارد. یحیی گمار به گفته خود زلف در گرهِ این خاک و افسانه‌ها دارد.

- آثار شما با صرف وقت فراوان و ممارست اجرا می‌شود؛ چرا این شیوه را برگزیده‌اید؟**

بله حق با شماست. البته این شیوه کارکردن چیزی نیست که کاملاً آگاهانه انتخاب شده باشد اما به‌رحال شما برای ساختن یک کل منسجم ناگزیرید به جزئیات توجه داشته باشید و به‌واسطه همین اجزا آن را بسازید البته که این اجزا می‌توانند دلالت‌های خاصه خود را داشته باشند و می‌توانند به همان اندازه حاو معنا باشند؛ یعنی جایی در خدمت کل و جایی کاملاً مستقل رفتار کنند.

- در آثارتان کوزه‌ها در قالب مجاز انسان‌ها را تداعی می‌کنند و همچنین گاهی شخصیت‌های یک داستان هستند؛ این فکر از کجا نشئت گرفت؟**

بله. به نظر خودم کوزه‌ها حتی چیزهای بیشتری را می‌توانند بیان کنند. کم‌اینکه گاهی به مفاهیم دیگری هم در خلق فکر کرده‌ام اما همیشه به‌عنوان ظرفی پرشونده یا پرکننده برای «دربر گرفتن» به کوزه نگاه کرده‌ام. در خاطر‌م هست که در نمایش مجموعه «زهردان‌ها و جام و حوری» که کوزه‌ها را صرفا برای نگاهداشت زهر عرضه کرده بودم، دوستی که مخاطب آثارم بود، کوزه‌ها را شبیه «خود ما» توصیف کرد. اینکه این زهردان‌ها خود ما هستیم؛ چراکه در درون خود زهر داریم و دائم در فکر بهانه‌ای برای تزریق آن به دیگری هستیم. این برای من داستانی جذاب بود، داستانی که من ساخته بودمش اما معنای آن را از زبان دیگری می‌شنیدم.

- نقش افسانه‌ها و فولکلور در کارتان زیاد است؛ این موضوع از علاقه شخصی ناشی می‌شود؟**

در آنها زلف در گرهِ دارم.

- درباره فرایند خلق آثارتان توضیح دهید. آیا برای اجرای این آثار و جلوگیری از خطاهای احتمالی از ابزارهایی مانند فوتوشاپ استفاده می‌کنید؟**

ایدا. نه اینکه آن کار را پرت بدانم، بسیاری کسانی که از تمامی امکان‌ها استفاده می‌کنند تا اثری را بسازند که بیانگر باشد، چه‌سا بسیار هم موفق بوده‌اند اما واقعیت آن است که این کار را بلد نیستم. زمانی که این برنامه‌ها جزء دروس دانشگاهی بود، من در برابر یادگیری آن مقاومت می‌کردم با این تصور که من هرچه را که بخواهم نقاشی می‌کنم و هیچ‌وقت به آن نیاز پیدا نمی‌کنم؛ هرچند این تفکر تا حد زیادی خنده‌دار است اما خوشبختانه یا متأسفانه این تفکر کسانی داشت و تا به امروز با من است.

- در کارهای اخیرتان نشانه‌هایی از تمایل به بازی‌های صریح دیده می‌شود که گاه به تجربیات آپ‌آرتیست‌ها (op art) نزدیک می‌شود. ریشه و علت این تمایل چیست؟**

هرچند شکل به‌کارگیری موتیف‌های تکرار‌شونده در کارهای من با سبک و سباق آپ‌آرتیست‌ها می‌تواند قرابت داشته باشد اما در نحوه اندیشیدن بسیار متفاوت است. به‌کارگیری موتیف‌ها برای من بخشی از زیست بوده‌اند که بیشتر از همکاریان و در حلقه نقاشان تاریخ، مذهب و ادبیات عجین است. اما آپ‌آرتیست‌ها به دنبال ایجاد واکنش بصری فیزیولوژیک در مخاطب هستند.

- درباره بازخورد مخاطبان و توجه بازار هنر به آثارتان توضیح دهید.**

واقعیت این است که توجه مخاطب به آثار، وجوه مختلفی را در بر می‌گیرد. برخی درگیر جنبه‌های تکنیکی کار می‌شوند تا آنجا که گاهی با تردید به آنها نگاه کرده‌اند، شاید تصور می‌کرده‌اند که از تمهیداتی مانند چاپ، کلیشه یا پرینت برای ایجاد و پرداخت استفاده کرده‌ام. بعضی به وجوه مفهومی آثار بیشتر توجه دارند و نشانه‌ها را دنبال می‌کنند تا به دریافتی از معنای اثر برسند. عده‌ای هم با پیش‌فرض‌های ذهنی با اثر مواجه شده‌اند که بیشتر از همکاریان و در حلقه نقاشان هستند. به‌رحال بخش مهمی از پروسه کار توجه به همین بازخورد‌هاست، مخصوصا بعد از ارائه آثار؛ اینکه تا چه اندازه هم‌پوشانی دارند یا به خوانشی متمایز و ممتاز دست پیدا می‌کنند. یکی از دلایل حذف بیانیه در نمایشگاه‌هایم اهمیت‌دادن به درک ویژه مخاطب و هموارکردن مسیر برای مواجهه مستقیم با آثار است.



شهرزاد رویانی، یحیی گمار

همه‌گالری‌داران، مجموعه‌داران و دوستانی که در امر اصالت آثار زنده‌یاد تبریزی با این خانواده همکاری داشته‌اند، قدردانی کرد.

گفتنی است زنده‌یاد صادق تبریزی پایه‌گذار نقاشی‌خط در ایران و از پیشگامان مکتب «سقاخانه» پاییز سال ۹۶ در